



AET0 & AET1
Asian and Middle Eastern Studies Tripos, Part IA and Part IB

Friday 29 May 2015 9 to 12:00 pm

Paper MES3

Elementary Persian Language

Answer *all* questions.

Write your number ***not*** your name on the cover sheet of **each** answer booklet.

STATIONERY REQUIREMENTS

20 page answer booklet

Rough Work Pad

SPECIAL REQUIREMENTS TO BE SUPPLIED FOR THIS EXAMINATION

None

You may not start to read the questions printed on the subsequent pages of this question paper until instructed to do so.

SECTION A

1 Translate the following **unseen** text into **English** [10 marks]

- بدون تردید سعدی یکی از پنج شاعر برتر زبان فارسی است. در مورد تاریخ دقیق تولد او تردید وجود دارد و گفته می‌شود که او در اوایل قرن سیزدهم میلادی به دنیا آمده است. ۱
۳
- سعدی در شیراز به دنیا آمد و پدرش در دربار کار می‌کرد ولی وقتی سعدی کودک بود پدر خود را از دست داد سپس برای ادامه تحصیل به بغداد رفت و در مراکز علمی آنجا مشغول به تحصیل شد. ۵
- وی پس از فارغ التحصیلی برای سی سال به سفر پرداخت و به سرزمین های مختلف رفت که در کتاب های خود به آنها اشاره کرده است. ۷
- سعدی نتیجه مشاهدات و تجربه های جهان گردی خود را به صورت نکته های اجتماعی و پند های اخلاقی به زیباترین شکل در کتاب هایش آورده است. ۹
- یکی از معروف ترین اشعارش شعر "بنی آدم" است که در آن صلح در جهان را مدنظر داشته است: ۱۱
- بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند ۱۳
- سرانجام وی در سال ۱۳۱۳ میلادی در گذشت. او نظر خود را درباره مرگ چنین گفته است: ۱۵
- سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز مرده آن است که نامش به نکویی نبرند

Line 4 (royal/King's) court	دربار
Line 10 advice	پند
Line 16: well reputed	نکونام

2 Translate the following **seen** text into **English** [10 marks]

- ۱ بعد از رفتن دوستم احساس کردم یک چشم من هم ضعیف است. یعنی چه؟ تا چند لحظه پیش که خوب بود. چطور ظرف چند ثانیه یکی اش ضعیف شد؟ کمی فکر کردم که بدانم کدام چشم ضعیف است. نتوانستم چیزی بفهمم. لا علاج همانجا کنار پیاده رو ایستادم و پاکت گوشت را روی زمین گذاشتم. چشم چپم را بستم و با چشم راست کلاغی را که روی آنتن پشت بام خانه مقابل نشسته بود نشانه گرفتم. دیدم درست است. کلاغ را کاملاً می بینم. رنگش سیاه است. نوکش به قاعده است و پاهایش را هم خوب می بینم. خاطرم جمع شد که چشم راستم معیوب نیست و هر عیبی هست در چشم چپ است.
- ۳
- ۵
- ۷
- ۹ کف دستم را گذاشتم روی چشم راست و با چشم چپ کلاغ را نشانه گرفتم. بی اختیار دلم فرو ریخت. سرم درد گرفت و شقیقه هایم شروع کرد به زدن. گردن کلاغ کوتاه شده بود، نوکش را درست نمی دیدم، پاهایش محو بود و رنگش خاکستری. یعنی چه؟ دستپاچه شدم. فوری دستم را از روی چشم راستم برداشتم و چشم چپم را بستم. دیدم درست می بینم. کلاغ همان کلاغ اولی است، ولی مگر امکان داشت که من دست از این آزمایش طبی بردارم؟
- ۱۱
- ۱۳
- ۱۵ پاکت گوشت را روی زمین گذاشتم و به دیوار پیاده رو و خیابان تکیه دادم و دیگر بدون این که از کف دست هایم کمک بگیرم، با بستن و باز کردن پلک های چشم شروع کردم به آزمایش کردن. از بد حادثه نمی دانم کلاغ مورد نشانه من از چه ترسید که رم کرد و پرید و من ماندم بدون نشانه.
- ۱۷
- از عینک طبی، اثر خسرو شاهانی

W. M. Thackston, *An Introduction to Persian* (Bethesda: IBEX, 1993), pp 225-226.

(TURN OVER)

SECTION B

3 Choose **one** of the following topics for a composition in **Persian** of **about 100 words** [30 marks]

- (a) If you could travel only to one city in your life, what city would it be and why?
- (b) Describe your experience of studying Persian in Cambridge so far.
- (c) Write a review about a book you have read recently.
- (d) Write a letter to a Persian course provider in Iran and explain why you want to continue your Persian there.

SECTION C

Answer **all** the following questions [20 marks]

4 Give the **Second Person Singular** forms of the **Imperative** and **present perfect** of the verbs below in Persian

- (a) To sleep
- (b) To cook
- (c) To see
- (d) To help
- (e) To smile

5 Translate the following sentences into **Persian**

- (a) If the weather is good tomorrow, you won't need to take the umbrella with you.
- (b) I had not opened the envelope yet, when my lawyer called.
- (c) It is likely that we can't find any tickets for the Friday's match.
- (d) One cannot tell how happy I was when I heard the news.
- (e) After becoming rich, he no longer helped our charity.

6 Analyse and translate the following into English

- a معاینه نمی کنند
- b رساندمشان
- c ترسناک ترین
- d بی ارزش
- e کتاب فروشی

7 Complete the sentences with the correct form of the terms given in the brackets and then translate the complete sentences

- a در حالی که روی صندلی خوابیده بودم، عینک از چشمم (افتادن)
- b چند روز است که امتحاناتتان (تمام شدن)؟
- c قبل از (خوردن) غذا، دست هایشان را شستند.
- d به شرطی که کارت عضویت (داشتن)، می توانید از امکانات ما استفاده کنید.
- e بعد از این که از شنا برگشتند، خیلی زود بچه ها خوابشان (بردن)

END OF PAPER